



فیلم «ضد» با روایتی متفاوت روی پرده سینماهاست

عاشقانه‌ای سیاسی

■ **مهدی ملکی**

یکی از مهم‌ترین محورهای محتوایی در آثار سینمایی – تلویزیونی دهه ۹۰ را می‌توان مسئله «مناقضین» دانست.

این سازمان تروریستی که بخشی سیاه از تاریخ معاصر کشورمان را ساخته است، در سال‌های اخیر سوزه بسیاری از فیلمسازان بوده تا قصه تلخ این گروه و قربانیانش را برای مردم روایت کنند. از سریال‌های خاطر‌انگیزی مثل «ارمغان تاریکی» و «پروانه» تا فیلم‌های سینمایی مهمی مثل «امکان مینا» و «سیانور» می‌توان رد این محور، محتوایی را در سینمای ایران دنبال کرد. موج پررنگ پرداختن به مناقضین در سال‌های اخیر اما با درخشش «ماجرای نیمروز» به اوج خود رسید و بعد در بسیاری از آثار سینمایی کشور تکرار شد.

این روزها هم اکران دو فیلم سینمایی با همین پیرنگ مضمونی، توجه اهالی سینما را به خود جلب کرده است؛ یکی «سرهنگ ثریا» اولین اثر مسینمایی خانم لیلی عاج و دیگری «ضد» دومین فیلم سینمایی امیرعباس ربیعی که یک داستان ملتهب عاشقانه را برای مخاطبش روایت می‌کند و این روزها یکی از مهم‌ترین فیلم‌های روی پرده است.

نام امیرعباس ربیعی نخستین بار در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر شنیده شد. او که برای اولین بار وارد این جشنواره می‌شد، آن سال «لباس شخصی» را روی پرده آورد؛ فیلمی ملتهب که ماجرای نفوذ شوروی در بالاترین سطوح ارتش ایران در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب را روایت می‌کرد. «لباس شخصی» با وجود گذشت چهار سال از حضور در جشنواره، هنوز روی پرده سینماها نیاآمده است اما امیرعباس ربیعی در همین مدت، دومین فیلم خود را ساخت و به چهلمین جشنواره فیلم فجر رساند. فیلمش از این جشنواره دو سیمرغ گرفت و حال آن‌را به اکران عمومی رسانده است.

«ضد» که از ۱۵ آذر روی پرده فته، یک داستان عاشقانه را روایت می‌کند؛ عاشقانه‌ای در دل روزهای سخت و نفسگیر تلامط‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی. «ضد» یک ماجرای عاشقانه آمیخته به سیاست را در بازه زمانی اسفند ۵۹ تا تیر ۶۰ در دل حزب جمهوری اسلامی روایت می‌کند و مهم‌ترین نقطه قوتش فیلمنامه است.

قصه «ضد» لکت ندارد و روان پیش می‌رود، ضرباهنگ فیلمنامه نه کند است و نه تند و از همه اینها مهم‌تر، فیلم در سرگرم کردن مخاطبش موفق می‌شود، چون به قصه اهمیت می‌دهد و داستانش را خوب تعریف می‌کند؛ یک داستان خوش‌ریتم که اگر چه برای اهالی تاریخ تقریباً هیچ نکته تازه‌ای ندارد اما احتمالاً اکثر مخاطبان را درگیر ماجراه‌ای پرپیچ و خمی می‌کند که میان عشق و ایدئولوژی در تلاطم است و به پایانی غافلگیرکننده ختم می‌شود. «نفوذ» که اسفندواژه جهان دو فیلم اول امیرعباس ربیعی است. او هم در «لباس شخصی» و هم در «ضد» عزم جدی خودش را برای تصویر کردن مختصات آدم‌های نفوذی به نمایش گذاشته است.

فیلمساز جوان ما، مضمون مشخصی را برای فیلمسازی انتخاب کرده و در تبدیل این مضمون به فیلم‌های داستان‌گو موفق است. اینکه مسئله عمیق نفوذ در فیلم‌دوم ربیعی به قصه‌ای جاندار تبدیل می‌شود و در دل یک ماجرای عاشقانه می‌نشیند و بدون شعارزدگی مخاطب را با خودش همراه می‌کند، نشانه‌ای امیدوارکننده به حساب می‌آید.

این روزها که امیرعباس ربیعی در حال ساخت سومین اثر سینمایی خود با نام «احمد» است، تماشاکی «ضد» روی پرده سینما می‌تواند ایده‌های مخاطبان به فیلم جدید او را که در جشنواره چهل‌ومدوم فیلم فجر رونمایی می‌شود، چندبرابر کند.

گزارش یک

■ **فاطمه شعبانی**

در اختتامیه هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» مستند «دختر کوه نور» از تولیدات حوزه هنری کهگیلویه‌وبویراحمد موفق به کسب جایزه ویژه هیئت داوران و نامزد بهترین کارگردانی فیلم مستند کوتاه شد. فیلم مستند دختر کوه نور ساخته «چاپ‌باد یاد» به تهیه‌کنندگی «محمدحسن محمودی» و روایت ایشار و فداکاری دختران عشایر است که برای زنده‌نگه‌داشتن زیست عشایری پدران و مادران‌شان از آرزوهای خود دست می‌کشند. گفت‌وگوی ما با محمدحسن محمودی بخوانید.

■ **سوزه‌های بکر**

محمدحسن محمودی با بیان اینکه کهگیلویه‌وبویراحمد سرزمینی بکر است و مناطقی دارد که تا به حال به آن پرداخته نشده است، از دلایل پرداختن به این سوزه می‌گوید: «جایگاه و نقش زنان در ایلات و عشایر از جمله سوزه‌هایی است که کمتر مورد توجه بوده یا چنان‌که باید به آن پرداخته نشده است. از طرفی زیست عشایری به مرور در حال بین رفتن است. شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور جمعیت عشایرمان خیلی کم شود. این دلیل و ضرورت پرداختن به این سوزه است.» وی ادامه می‌دهد: «واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه‌وبویراحمد با هدف‌گذاری تقویت فرهنگ عشایری فیلم‌های متنوع با کارگردان‌های مختلفی را تولید کرده است اما

مستند «دختر کوه نور» یک خطر کزی و مهم دارد:

نقش، ایثار، گذشت و فداکاری و همت زنان در زیست عشایری. این فیلم خارج از شعار به دنبال نشان دادن نقش زنان در عشایر است. از طرفی جمعیت جوان در عشایر خیلی کم شده و اغلب کسانی که کوچ می‌کنند یا به سن گذاشته‌اند، از طرف دیگر مسائلی که بین نسل قبل و نسل جدیدشان پیش می‌آید، بین زندگی یکجانشینی و زندگی عشایری و باید بین این



مستند «دختر کوه نور» یک خطر کزی و مهم دارد: نقش، ایثار، گذشت و فداکاری و همت زنان در زیست عشایری. این فیلم خارج از شعار به دنبال نشان دادن نقش زنان در عشایر است. از طرفی جمعیت جوان در عشایر خیلی کم شده و اغلب کسانی که کوچ می‌کنند یا به سن گذاشته‌اند، از طرف دیگر مسائلی که بین نسل قبل و نسل جدیدشان پیش می‌آید، بین زندگی یکجانشینی و زندگی عشایری و باید بین این

مستند «دختر کوه نور» یک خطر کزی و مهم دارد: نقش، ایثار، گذشت و فداکاری و همت زنان در زیست عشایری. این فیلم خارج از شعار به دنبال نشان دادن نقش زنان در عشایر است. از طرفی جمعیت جوان در عشایر خیلی کم شده و اغلب کسانی که کوچ می‌کنند یا به سن گذاشته‌اند، از طرف دیگر مسائلی که بین نسل قبل و نسل جدیدشان پیش می‌آید، بین زندگی یکجانشینی و زندگی عشایری و باید بین این



محمدحسن محمودی با بیان اینکه کهگیلویه‌وبویراحمد سرزمینی بکر است و مناطقی دارد که تا به حال به آن پرداخته نشده است، از دلایل پرداختن به این سوزه می‌گوید: «جایگاه و نقش زنان در ایلات و عشایر از جمله سوزه‌هایی است که کمتر مورد توجه بوده یا چنان‌که باید به آن پرداخته نشده است. از طرفی زیست عشایری به مرور در حال بین رفتن است. شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور جمعیت عشایرمان خیلی کم شود. این دلیل و ضرورت پرداختن به این سوزه است.» وی ادامه می‌دهد: «واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه‌وبویراحمد با هدف‌گذاری تقویت فرهنگ عشایری فیلم‌های متنوع با کارگردان‌های مختلفی را تولید کرده است اما

فرهنگی

فرهنگی ۶۰ ۸۸۵۲۳۰

تهیه‌کننده مستند «دختر کوه نور»:

این مستند یک اتفاق نیست، یک جریان مستمر است

در این سال‌ها کهگیلویه‌وبویراحمد همواره در حوزه فیلم فعالیت مستمر و حضور درخشان در جشنواره‌های معتبر خارج از کشور و داخلی داشته است. مستند دختر کوه نور یک اتفاق نیست بلکه یک جریان مستمر است که حاصلش جایزه هیئت داوران جشنواره فیلم مستند سینماحقیقت شده است و قطعاً این آخر مسیر نیست

کل‌رود به دایره زندگی عشایر از سختی‌های کار بود. شیب بلند کوه، ارتفاع و سکونت این خانواده در قله کوه نور که امکانات محدودی دارد. این ظرفیت‌ها بود که ما را ترغیب کرد به این سوزه برداریم.»

■ **جشنواره فیلم حقیقت**

مستند دختر کوه نور در اختتامیه هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران جایزه ویژه هیئت داوران را کسب کرد و نامزد بهترین کارگردانی فیلم مستند کوتاه شد. محمودی اذعان می‌کند: «در این سال‌ها کهگیلویه‌وبویراحمد همواره در حوزه فیلم فعالیت مستمر و حضور درخشان در جشنواره‌های معتبر خارج از کشور و داخلی داشته است. مستند دختر کوه نور یک اتفاق نیست بلکه یک جریان مستمر است که حاصلش جایزه هیئت داوران جشنواره فیلم مستند سینماحقیقت شده است و قطعاً این آخر مسیر نیست. اینطور نیست که بگوییم به قله رسیدیم بلکه این یکی از پله‌هاست. همچنان باید قصه‌های‌مان را روایت کنیم، البته ناگفته نماند همه فیلم‌های تولیدی‌مان فیلم‌های جشنواره‌ای نیست، بعضی از فیلم‌ها ظرفیت تلویزیونی و گزارشی و برخی واکنش سریع به سوزه‌های خاص است. تأکید می‌کنم نمی‌شود کیفیت‌سنجی را فقط با فیلم‌های جشنواره‌ای سنجید. این فیلم ویژگی هنری و جشنواره‌ای دارد و متناسب با مدیوم جشنواره است. مهم‌ترین جشنواره فیلم مستند که سال‌هاست در ایران برگزار می‌شود، سینماحقیقت است. شروع ارائه فیلم را از این جشنواره زدم که آن‌شاه‌الله در جشنواره‌های دیگر هم شسرت کنیم. به نظر من محفل خیلی خوبی بود که فیلم را آنجا شرکت دادیم، چون عیار سنجیده و نقد‌های حرفه‌ای روی فیلم می‌شود.»

■ **حمایت مالی**

وی در پایان تأکید می‌کند: «مردم کهگیلویه‌وبویراحمد یک حای ذاتی دارند و این حیا باعث می‌شود خیلی جاهل، افتخارگرا و دستاوردها و ظرفیت‌های‌شان را ارائه ندهند و جاهایی که شناخت درستی ندارند، اشتباه‌قضاوت شوند. درست است در این استان مشکلات اقتصادی وجود دارد اما فرهنگ غنی‌ای دارد. ثروت‌شان فرهنگ‌شان، آداب و رسوم‌شان، منابع طبیعی و محیط زیست‌شان و حضور فعال در انقلاب و دفاع مقدس است. این استان منابع و سوزه‌های بکری دارد که به آنها پرداخته نشده است و پرداختن به اینها نیاز به حمایت مالی دارد، باید سرمایه‌گذاری و خروجی گرفته و ارائه شود.»

■ **سختی‌های شیرین**

از سختی‌های تولید این مستند پرسیدیم، این تهیه‌کننده پاسخ می‌دهد: «تصور کنید گروه فیلمبرداری آنچاره‌رفته و شش‌برف آمده است و گروه در کوه گرفتار شده و با سختی بسیار به چادر عشایر رسیده‌اند. تصور کنید اگر باطری دوربین نیاز به شارژ مجدد داشته باشد یا نیاز به وسیله خاصی باشد، باید یک ساعت از کوه به سمت اولین شهر می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. از طرفی اخت شدن با شرایط عشایر و زیست عشایر پرسوسه تولید را طولانی کرد. به طور فیلمبرداری مستمر طول کشید.»

روایتی از نمایشگاه «سه‌رخ» در گالری ابوالفضل عالی هنر‌نمایی سه‌رخ از هنرمندان انقلاب



نمایشگاه

این روزها نمایشگاهی از مجموعه آثار هنرهای تجسمی با عنوان «سه‌رخ» در حوزه هنری برپا شده است که شامل مجموعه آثاری از سه چهره و سه‌رخ از هنرمندان انقلاب اسلامی است.

انتخاب هنرمندان عنوان این نمایشگاه به دو جهت قابل تأمل است، نخست اینکه آن‌سه استاد برجسته و چهره هنر انقلاب در آن به نمایش گذاشته شده و در گام دوم برتره‌هایی است که به هنر این سه استاد در قامت حجم و مجسمه با طراحی و نقاشی در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

علی اصغر یوزباشی، ناصر سیفی و سیدحمید شریفی‌آل‌هاشم، رخی از رخدای هنر انقلاب هستند که در این نمایشگاه با آثارشان می‌درخشد و چشم‌های بینندگان را می‌نوازند و جلا می‌دهند، این در حالی است که دیوارنوشته ورودی این نمایشگاه نیز به بیانی دیگر چنین تعبیری را مطرح و آن را تأیید می‌کند. در این دیوارنوشته آمده است:

«سه‌رخ» همان «تمام‌رخ» است و با اندک زاویه‌ای یک روی را بیشتر از روی دیگر به نمایش می‌گذارد. در هنرهای تجسمی عنصر اصلی بازشناختی و هویتی‌فرد، چهره و برتره او تلقی می‌شود و به واسطه آن به معرفی فرد می‌پردازد. «رخ» و چهره انسان از عناصر مهمی هستند که برای حالت و خصوصیات فردی و اندیشه



نگاهی به کتاب «حسرتش یا من» چندورق حسرت!

■ **سیدعلی مددزیدی**

«محسری بود ولی من می‌دانستم تابوتش کدام است... کارش نخستم. تا خواستم دستم را به سمت صورتش ببرم، مادر بزرگش داد زد: دست نذار، تو دیگه نامحرمی! ته دلم خالی شد، یعنی نامحرمت شده بودم کمال!؟ من نامحرم شدم، همه محرم! ننه دایی چیغ می‌کشید که دستم به همسرم نخورد و حسرت بوسیدنش به دلم بماند... قصه زندگی من تمام شده بود؛ قصه من و کمال. دیگسر بایی برای حرکت نمانده. شاید زیر بغلم را گرفته بودند و تا خانه کشانده بودند. یادم نیست. فقط یک چیز به یادم مانده، پارچه‌ای که نوشته بود: شهادت فرامنده گردان یا زهرا، شهید حاج سیدکمال فاضل را تسلیت می‌گوییم.»

این چند خط ابتدایی که خواندید، تکه‌ای از کتاب «حسرتش یا من» بود. مجموعه خاطرات مریم‌السادات حسینی، همسر سید کمال فاضل که به قلم طاهره حمزه‌پوراسدی و همت حمزه‌هنری چهارمجال‌وبختیاری به چاپ رسیده است.

اثر مختصر است و کل خاطرات در حوالی هفتاد‌انصدی صفحه جمع می‌شود. نویسنده در مقدمه کتاب توضیحاتی راجع به نحوه تألیف اثر ارائه در ضمن این توضیحات نکاتی را طرح می‌کند که طاهره جزوه دلایل اصلی این اختصار به حساب می‌آیند.

«باید خانم حسینی را می‌دیدم و از او می‌پرسیدم، اما شرایط جسمانی این بانوی صور مساعد نبود و باید مصاحبه‌ها را به صورت تلفنی انجام می‌داد... گرچه گذر سال‌ها غبار فراموشی روی خاطرات نشانده و سختی‌های زندگی خانم حسینی را در خود فروبرده بود و به سختی می‌شد خاطرات آن روزها را استخراج کرد، اما من ناامید نشدم.»

با توجه به شرایط غیرحضور مصاحبه‌ها، فراموشی خاطرات و احتمالاً به دلیل مدت کم زندگی مشترک این بانو و شهیدفاضل، مخاطب با این اختصار مواجه شده است، البته اختصاری صادقانه که به وجه صادق

بودنش چند خط دیگر خواهیم پرداخت. تک راوی، شخص همسر شهید است و برخلاف رویه معمول آثار مرتبط با شهدا که از خانواده و هم‌زمان و آشنا و دوست برای تألیف و گردآوری اطلاعات استفاده می‌کنند، در این کتاب فقط با همسر شهید طرف هستیم. روایت در قالب حسینی پیش می‌رود و مقبید به حفظ ترتیب توالی زمان اتفاقات، روی یک خط حرکت می‌کند.

در نیمه ابتدایی تک سوزه کتاب شخص خانم حسینی است و ما با خانواده ایشان از پیش از تولد همراه می‌شویم و پس از روایت کودکی و نوجوانی، در اواسط کتاب با گوشه‌شدن باب خواستگاری، پای شهید فاضل هم به خاطرات بازمی‌گردد. طبیعتاً به نظر می‌آید این محور شدن خانم حسینی در نیمه ابتدایی در ترسیم تصویر کلی از خاطرات شهید خلل ایجاد کند، ولی این گونه نمی‌شود و نیمه ابتدایی مضاف بر به تصویر کشیدن سبک زندگی مردم آن زمان شهرکرد، رنگ و بویی را چاشنی کتاب می‌کند که زمینه همدلی مخاطب با شخصیت اصلی را فراهم می‌آورد.

تا اینجا می‌شود گزارش پرورنده فنی کتاب، اما اگر کمی سرمان را از این پیچ‌و مهره بازگردن‌های فنی بیرون بیاوریم، مهم‌ترین نقطه قوت کتاب صداقت شخص راوی است. برخلاف رویه بعضی از تولیدکنندگان آثار شهدایی که بازنمایی مثبت از تمام وقایع و افراد حول شهید را خدمت به فرهنگ شهادت می‌دانند، این‌گونه حس می‌شود که راوی و مسئولان بخش تألیف، حداقل تلاش کردند بنسارابر حفظ صداقت بگذارند و همین صداقت است که جلب‌ی رنگ و لعاب کتاب و ضعف‌های اثر را از دایره دید خواننده دور می‌کند و او را تمام‌قد پای روایت حسرت‌های این همسر می‌شانند.